



اول مه، کارگران و ناسیونالیسم ایرانی!



ماندن زندگی کنند و حق برخورداری از سایر مواهب زندگی را ندارند. برای اینها کارگر زمانی جایگاه پیدا می کند که بخواهند بطور مثال کارگر افغانی را پایمال و سرکوب کنند. با چنین دیدگاهی طبیعی است که کارگر را زمخت و بی فرهنگ بدانند. موضع چپ سنتی، کارگر دوستی و کارگر پرستی است و اینکه کارگر، مبارزه خلق علیه امپریالیسم را انقلابی تر می کند. به این دلیل کارگر را زمخت و "مردانه" می دانند و آن را تقدیس می کنند. هر دو اینها نه کارگر را صاحب جامعه و اداره کننده آن می دانند و نه انسانی با سهم برابر از مواهب زندگی.

فواد عبداللہی: سالہاست کہ در غرب زنان دوشادوش مردان در تمام عرصہ ہای اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی فعالیت دارند. ہر چند ہنوز تا برابری کامل زن و مرد فاصلہ زیادی است اما خود این برابری صوری نتیجہ و دستاورد چہ تحولاتی در تاریخ غرب بودہ است؟
اعظم کم گویان: برابری قانونی زن و مرد در غرب حاصل چند قرن مبارزہ کارگری و سوسیالیستی، جنبش ہای قدرتمند زنان برای برابری جنسی، فشار انقلاب سوسیالیستی اکتبر در شوروی بود کہ بورژوازی غرب و دولتہای آن را وادار بہ تسریع پذیرش حق رای زنان و برابریہای قانونی در زمینہ ہای مختلف و همچنین برسرمیت شناسی و تاسیس دولتہای رفاہ و تصویب قوانینی در حمایت از زنان کرد

فواد عبداللہی: بورژوازی و ناسیونالیسم ایرانی دیدگاہی بغایت ارتجاعی در مورد نقش و



گفتگو با اعظم کم گویان

فواد عبداللہی: اول ماہ مہ روز جهانی طبقہ کارگر در راہ است. نقش و اہمیت این روز در سرنوشت طبقہ کارگر چیست؟ اعظم کم گویان: اول ماہ مہ سہمب اعتراض کارگران و بشریت مترقی علیہ نابرابریہا و مبارزہ برای تغییر جهانی است کہ رنج و فقر اکثریت انسانہا را مبنای سود و ثروت افسانہ ای اقلیت کوچکی از سرمایہ داران مفتخور کردہ است. امسال، روز جهانی ہمبستگی کارگران و اعتراض بہ نابرابری و ستم طبقاتی در شرایطی ویژہ ای برگزار میشود. دولتہای سرمایہ داری در سراسر جہان، ہر روز بہ زدن لقمہ ای از سفرہ خانوادہ ہای کارگری و محروم کردن روزمرہ آنان از حقوق انسانی شان مشغولند. در مقابل، کارگران با اعتراضات جهانی شان در برابر این اقدامات ضد انسانی ایستادہ اند. اعتراضات میلیونها کارگر در نقاط مختلف دنیا مدت زمانی است کہ فضای

فواد عبداللہی: بی شک مقولہ "کارگر" در ادبیات و فرهنگ و روانشناسی ناسیونالیستی ایرانی و چپ سنتی، نوعی از عقب ماندگی و زمختی را منعکس می کند. منشا این فرهنگ و برداشت در کجاست؟
اعظم کم گویان: ناسیونالیسم ایرانی ہمیشہ موجودیت عینی و ذہنی طبقہ کارگر را انکار کردہ و فرهنگ کثیف و راسیستی آن، کارگران را عملہ می نامد و آنها را مستحق تحمل اعمال و رفتار شنیع و کریہ خود می داند. برای ناسیونالیسم ایرانی ہمہ ایرانی مولد خاک پاک و پر گہر ہستند و یک عدہ ای ہم ہر چند ایرانی و مولد همان خاک ہستند اما مستحق انجام پست ترین کارہا، دریافت کمترین دستمزدا، زندگی کردن در بیغولہ ہا می باشند. بنظر آنها کارگران فقط باید برای زندہ

جایگاہ زن دارند. اینہا چہ منفعتی در حفظ شکل و نظامی از خانوادہ می برند کہ در آن زن کارگری پست محسوب می شود؟
اعظم کم گویان: در نظامی کہ اینہا صاحبش ہستند جامعہ و نظام حاکم وظایفی را کہ علی الاصول خود بر عہدہ دارند، بر خانوادہ بویژہ زنان تحمیل میکنند و میتوان لیستی از این وظایف برشمرد. در خانوادہ زن بچہ داری میکند تا سرمایہ داری مہد کودک و امکانات نگہداری از کودکان و نوجوانان را در جای سود آوری برای سرمایہ، سرمایہ گذاری کند. زن خانہ داری میکند تا مخارج اینکار نہ از مالیات و نہ از ہیچ نوع بودجہ دیگری بہ نفع دولت و سرمایہ داران ذخیرہ شود. خانوادہ مقدس میشود و برای سعادت آن زن بی جیرہ و موجب کار میکند تا در مقابل مرد نان آور خانہ کہ موضع مسلط را دارد، انسان درجہ دوم بشود. خانوادہ واحد ابدی کردن

تمايز و تبعيض جنسی بين مردان اور خانه تعريف ميشود و زنان بچه داری و این تقسیم کار به درون جامعه هم بسط می یابد. از نظر ایدئولوژیک هم حفظ چنین نظامی برای تفرقه و جدایی بین زن و مرد به نفع اینهاست.
فواد عبداللہی: حضور زنان در اول ماہ مہ در ایران از چہ اہمیت و جایگاہی برخوردار است؟
اعظم کم گویان: زنان نیمی از جامعہ اند، نیمہ طبقہ کارگر و مردم زحمتکش ہستند، نیروی مہمی در جنبش آزادیخواہی و برابری طلبی در ایران ہستند و بدون شرکت آنها از ہیچ تحول و پیشرفت و برابری در جامعہ خبری نخواہد بود. شرکت زنان بہ عمق و رادیکالیسم مبارزہ ضد سرمایہ داری طبقہ کارگر در ایران می افزاید و زنان یک ارتش وسیع برای آزادی خود و جامعہ از چنگال رژیم جمہوری اسلامی ہستند.

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

دست خودمان نیست، از پوشش تان، از ریخت تان، از قانون و اسلام و اراجیف تان بیزاریم. از صحنه جامعه پاکتان خواهیم کرد!

کلارا چگینی



اعتماد: "ادامه بررسی های کارشناسی در مورد طرح ساماندهی مد و لباس هفته آینده در حالی در دستور کار کمیسیون فرهنگی مجلس قرار می گیرد که براساس پیش بینی رییس این کمیسیون این طرح تا یک ماه دیگر در دستور کار مجلس قرار خواهد گرفت. عماد افروغ، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با میراث خبر، در مورد آخرین اقدامات انجام شده برای بررسی طرح ساماندهی مد و لباس گفت: طرح ساماندهی اشتغال جوانان این هفته به اتمام می رسد و کمیسیون هفته آینده ادامه بررسی های خود را برای اتمام طرح ساماندهی مد و لباس و اعمال اصلاحاتی در آن از سر می گیرد. وی پیش بینی کرد این طرح حداکثر تا اواسط اردیبهشت امسال برای بررسی و رایه گزارش در مجلس ارائه شود."

امروز افتاده است؟! چرا این او را به فکر عرضه مد لباس برای جوان امروز ایران افتاده اند؟! مگر قرار نیست زیر سایه اسلام و توحش، پوشش ما حجاب و ریختمان موزی و آلوده به بوی گند خلا باشد؟! همین چند روز پیش مدیر کل بهزیستی استان مرکزی فرمودند که: "اگر زنی با حجاب اسلامی اما با حرکات جلف و سبک و با کرشمه و ناز در محل کار و انتظار عمومی در مقابل نامحرمی رفت و آمد کند حجاب او هیچ ارزشی نخواهد داشت؛ حجاب اسلامی یعنی حجاب در لباس در نگاه، در گفتار"



اما اگر کمی دقیقتر شویم به خوبی حس می کنیم که زیر پوسته گنبدیده نظام اسلامی شبی برای خلاصی از شر فرهنگ و پوشش اسلامی در حرکت است که نیروی خود را از آنچه به عنوان آزادی، برابری و فرهنگ و تمدن بشری در اروپا قریب یک قرن قبل تا الان وجود

پاپ مرد اما هنوز نبرد مذاهب علیه زنان در جریان است!

ژنیورک

این پاپ بود که با

پیشنهادش، کاردینال های واتیکان فهرستی شامل صدها واژه ممنوعه منتشر ساختند که اغلب آنها واژه هایی پیرامون حقوق زنان بودند. این پاپ بود که بارها و بارها فرمان تنبیه زنانی را صادر کرده بود که قصد سقط جنین دارند.

دوشنبه ۴ اپریل / ۱۵ فروردین : پاپ ژان پل ۲، سرانجام در ۸۴ سالگی مرد. وی یکی از مرتجع ترین رهبران مذهبی بود که به کرات علیه زنان اعلام جنگ کرده بود. او و واتیکان در کنار مرتجع ترین و دست راستی ترین رهبران و روسای جمهور

کشیشان به زنان سکوت کرد و این پاپ بود که دعای خیرش، بدرقه راه جنگ طلبان، تجاوزگران، زن ستیزان و نیروهای مافیائی و سایر مرتجعین بود.

پاپ مرد. اما نبرد مذاهب علیه زنان در جریان است. با مرگ



یهودیان رفت تا با این دیدار سمبلیک ساز مبارزه با نیروهای لامذهب و آنتیست و مترقی را کوک کنند. این پاپ بود که با پیشنهادش، کاردینال های واتیکان فهرستی شامل صدها واژه ممنوعه منتشر ساختند که اغلب آنها واژه هایی پیرامون حقوق زنان بودند. این پاپ بود که بارها و بارها فرمان تنبیه زنانی را صادر کرده بود که قصد سقط جنین دارند. این پاپ بود که در مقابل افشای پرونده تجاوز کودکان توسط کشیشان و اسقف ها در اقصی نقاط جهان مهر سکوت به لب زد. این پاپ بود که در مقابل تجاوز

زن ستیز قرار داشت. وی همچنین یکی از سیاسی ترین رهبران کاتولیک ها طی تاریخ واتیکان بوده است. وی که لهستانی الاصل بود، نقش مهمی در مبارزه علیه کمونیسم و هر آن چه بوی ترقی خواهی در جهان به ویژه در کشورهای اروپای شرقی داشت، ایفا نمود. وی از جمله پاپ هائی بود که تلاش زیادی به کار برد تا مذاهب گوناگون، نبرد متحدتری را علیه "کفار" سازمان دهند. از همین رو شعار اخوت با مسلمین و یهودیان را علنا و عملا سر داد. وی اولین پاپی بود که به اورشلیم به زیارت عبادتگاه

به سازمان جوانان حکمتیست بپیوندید!

کار ما باید سازمان دادن کیفر خواست جامعه علیه کثرت رژیم اسلامی باشد!

بخش دوم مصاحبه با بهرام مدرسی



مصطفی اسدپور: اگر موافق باشید از محیط دانشگاه کمی فاصله بگیریم. ۱۶ آذر دو سال پیش دانشجویان پلاکاردی را که در حمایت از اعتصاب کارگران پتروشیمی بود در دست داشتند. بخش بزرگی از دانشجویان از خانواده های کارگری هستند و ترم آینده مصادف است با مراسم ها و اعتراضات اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر. از جمله مسئله دستمزدهای ۱۲۰۰۰۰ تومانی برای کارگران، اعتراض معلمان و پرستاران و... همه نشان دهنده کشمکش بزرگی در اول ماه مه امسال خواهد بود. آیا این مسائل و معضلات اقبال و طبقه کارگر می تواند جای پای در محیط و تریبون دانشگاه باز کند به طوری که دانشجویان مردم را خطاب قرار دهند؟ چقدر می تواند سیر مبارزات دانشجویی را با آنها پیوند زد؟

بهرام مدرسی: من فکر می کنم دانشگاه باید تریبون و صدای اعتراض برحق مردم عاصی از وضعیت موجود باشد. اعتراضات و خواسته هایی که در جامعه جاری است باید به دانشگاه ها راه پیدا کنند و در حال حاضر جایی بهتر از دانشگاه ها برای انعکاس صدای مردم معترض وجود ندارد. در این عرصه، انتظار از ارگانهای فعلی دانشجویی، بطالت محض است. همین تحکیم وحدت و انجمن های اسلامی که در حال حاضر وجود دارند مستقل از اینکه چه کسانی در آن فعالیت کنند اما ارگانهای دست ساز و سر به رژیم هستند. نتیجتاً انعکاس اعتراض کارگر و اقبال

دیگر جامعه، دست دانشجویان و فعالین آزادیخواه و چپ در سطح دانشگاه را می بوسد. ما باید تلاش کنیم که کل فضای سیاسی و فرهنگی دانشگاه ها را در دست بگیریم و فضایی ایجاد کنیم که از طریق تریبونها انعکاس صدای کارگران و پرستاران و معلمین به گوش جامعه برسد. این روزها که به اول ماه مه روز جهانی طبقه کارگر نزدیک می شویم باید فضای دانشگاه ها را ملو از مطالبات انسان های زحمتکش، خواست کارگران و آزادی انسانها، خواست لغو استثمار و بردگی مژدی کنیم و از همه مهمتر "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" را باید تبلیغ کرد. به هر حال به نظر من اول ماه مه روزی است که دانشجوی کمونیست نه تنها به صرف دانشجوی بودن بلکه به صرف کمونیست بودن، دانشجویی چپ و آزادیخواه نه به صرف دانشجوی بودن بلکه به صرف آزادیخواه بودنش به طبقه کارگر و فعالین کارگری رجوع کند و در تدارک اول ماه مه امسال در محلات و مراکز کارگری و دانشگاه ها دخیل باشد.

مصطفی اسدپور: به دانشگاه ها برگردیم. ما "انتخابات" جمهوری اسلامی را در پیش داریم و حتماً به دانشگاه ها کشیده خواهد شد. تا الان جلسات معین یکی از کاندیدهای ریاست جمهوری رژیم را شاهد بودیم. به نظر شما دانشگاه از آنجا که از اهمیت فعل و انفعالات سیاسی در ایران برخوردار است چگونه باید با این فضای "انتخاباتی" رژیم تا کند؟

بهرام مدرسی: به نظر من مصطفی اسدپور: فضای سیاسی

مشهد و اصفهان به حضور معین ابراز داشتند باید در سطح کلی تری اتفاق بیوفتد. ما نباید بگذاریم که اینها آزادانه از تریبون دانشگاه ما استفاده کنند و مزخرفات شان را در رابطه با حکومت اسلام و جامعه مدنی و در تدارک چه برنامه هایی هستند و... از تریبون دانشگاه ما اجرا و اعمال کنند. باید بلندگو را از دستشان گرفت و نشان داد که دانشگاه ما و کل دانشگاه های دیگر، مکانی نیست که به بهانه رفرم در اسلام و حکومتش، به بهانه تغییر در قوانین اسلامی و حکومتی، بار دیگر برای جمهوری اسلامی عمر بخرند. بودن خاتمی علی رغم تمام شعارهایی که میداد به این نکته منتهی شد که جمهوری اسلامی ۸ سال دیگر عملاً سرپا ماند. پروژه دوم خرداد برای جلوگیری و سد کردن اعتراض و نارضایتی مردم بر سر کار آمد و الان همان اتفاق در قالبی دیگر با شخصیت هایی دیگر در شرف وقوع است. جواب ما نه تحریم است و نه مقایسه کاندیده های مضحکه انتخاباتی رژیم با هم. کل جواب ما باید به این مضحکه انتخاباتی "نه" باشد. "نه" به کثرت رژیم منحوس اسلامی و بساط "انتخابات" شان.

بهرام مدرسی: دانشگاه همانطور که می تواند تریبون "آزادی و برابری"، انسان کمونیست، آزادیخواه، مدرن و برابری طلب باشد می تواند به همان شکل تریبون "رفراندوم" و وقت و عمر خریدن برای جمهوری اسلامی، تریبون کنار رفتن سران حکومت منتها به جا ماندن کل دم و دستگاه سرکوب و ماشین خفقان باشد. می تواند تریبون هر دوتای آنها باشد. کاری که ما باید انجام دهیم این است که صحنه دانشگاه ها را در دست بگیریم و تریبون هایش را به صدای آزادیخواهی و برابری طلبی، به خواست مردمی که به ارکان رژیم "نه" می گویند تبدیل کنیم. باید سعی کرد پروژه "رفراندوم" را به عنوان طرحی در مقابل جمهوری اسلامی در بحث های آزاد و جلساتی و تجمعاتی که برپا میذاریم رسوا و افشاء کنیم. جمهوری اسلامی اگر سران حذف شوند ولی کل دستگاه حکومتی آن به قوت خود باقی بماند هیچ نفعی برای انسانی که خواهان زندگی آزاد و شاد و خلاق و ایمن باشد در بر ندارد. دقیقاً اتفاقی شبیهه دوران سقوط رژیم قبلی خواهد بود. حکومت اسلامی با به ارث بردن کل دم و دستگاه شاه و ساواک و ماشین دولتی اش بر سر کار آمد و وحشتناک تر مورد استفاده قرار داد. معلوم نیست اگر جمهوری اسلامی می خواهد در "رفراندوم" و انتخاباتی از سر راه کنار رود منتها سپاه پاسداران، مجاهدین انقلاب اسلامی، تمام انصار حزب الله، لباس شخصی ها و کل این دم و دستگاه میلیتانت نظامی اسلامی قرار باشد بماند کدام انسانی می تواند باور کند که جمهوری اسلامی واقعا سرنگون شده است؟ شخصاً فکر می کنم هیچ آدم عاقلی تصور نمی کند که خود اینها داوطلبانه از حکومت پائین خواهند آمد و قدرت را به دست کسی دیگر خواهند سپرد. باید از طرفداران طرح پوچ "رفراندوم" پرسید که شما چه نفعی در حفظ ارگانهای رژیم از جمله سپاه و اطلاعات و حوزه های علمیه دارید؟! چرا نباید آنها را منحل اعلام کرد و دست مذهب را از زندگی و سیاست و آموزش کوتاه کرد؟ چرا نباید درآمد املاک و مراکز های مذهبی و حوزه های علمیه مصادره شوند؟! چرا نباید سران ریز و درشت حکومت ۲۶ سال جنایت علیه بشریت در دادگاه های مردم به محاکمه کشیده شوند؟! باید این سوالات را در مقابل شان گذاشت و سعی کرد فضای دانشگاه ها را در دست گرفت تا مردم ببینند اگر جمهوری اسلامی را نمی خواهیم یعنی اگر سران حذف شوند ولی کل دستگاه حکومتی آن به قوت خود باقی بماند هیچ نفعی برای انسانی که خواهان زندگی آزاد و

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

نه! این جشن ما نیست! در آن شرکت نکنید!

کسی که باد میکارد توفان درو خواهد کرد!



رئیس جمهور شدن جلال طالبانی در عراق اوج آرزوی ناسیونالیسم کرد را به نمایش گذاشته است. خانه خرابی مردم عراق و کشتار کودکان این کشور در نتیجه دوازده سال محاصره اقتصادی، اشغال عراق و گسیختگی تمام شیرازه مدنی جامعه عراق و تباهی فیزیکی و معنوی مردم در عراق قیمتی است که مردم عراق برای ریاست جمهوری طالبانی پرداخته اند. جشنی که امروز ناسیونالیستهای کرد به بهانه آن مردم را در چند شهر کردستان ایران به خیابانها کشیده اند، جشن ما نیست. جشن ناسیونالیسم کرد است. در آن نباید شرکت کرد!

مردم کردستان! در این جشن حقارت شرکت نکنید! کسی که امروز حاضر میشود به قیمت تحقیر و خانه خرابی یک جامعه به جائی برسد، دارد نفرت و کینه قومی را دامن میزند. باد میکارد و فردا توفان درو خواهد کرد. ریاست جمهوری طالبانی بر پایه ای از ایجاد عمیق ترین نفرت قومی بنا شده است. طالبانی و ناسیونالیستهای کرد همراه

تمام دارو دسته های ارتجاعی در عراق این جامعه را به کام یکی از عظیم ترین تراژدی های انسانی کشیده اند. جامعه عراق در آستانه یک فاجعه عظیم تر است. نباید در خلق این فاجعه و گسترش آن به ایران شرکت کرد.

مردم! اعتراض علیه جمهوری اسلامی، به حق ترین کاری است که ما باید انجام دهیم. قیام علیه جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن کل دستگاه جنایت اسلامی مهمترین کاری است که باید انجام دهیم. اما باید با چشم

باز انتخاب کرد. جدال ما برای ساختن یک دنیای آزاد، یک دنیای خوشبخت و یک دنیای بهتر است. این با آنچه در عراق میگذرد یک دنیا فاصله دارد. ما باید جنگ و قیام خودمان را بکنیم. فریب ناسیونالیست ها را نخورید. به این جشن و پایکوبی نپیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
کورش مدرسی

ریاست بر پایه نفرت قومی و مذهبی!

آمده است. به زودی کشمکش و رو در رویی میان نیرو های سناریو سیاهی اعم از کرد و عرب و سنی و شیعه به صحنه خواهند آمد. و طوفانی به راه خواهد افتاد که اولین موجش جلال طالبانی را از کرسی ریاست می اندازد. جلال طالبانی حتی در نتیجه اتحادی شکننده با حزب رقیب مسعود بارزانی به این مقام رسیده است. مرتجعینی که سر سهم بری بیشتر و چپاول منافع مردم کردستان عراق ۴ سال جنگ رسیده است. اما تناقضات موجود در عراق و توازن قوای شکننده و موقت که نتیجه حضور آمریکا و متحدینش در عراق است به زودی به هم خواهد خورد. این جشن و پیروزی که کوروش مدرسی به درستی گفته است که "جشن ما نیست" نتیجه ۱۲ سال محاصره اقتصادی و خانه خرابی مردم است. ناسیونالیسم کرد این موفقیت را در نتیجه هژمونی جنبشی در عراق علیه اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب به دست نیاورده است. این تماما در جهت سازش و معامله آمریکا و اسلام سیاسی در عراق بدست

بار دیگر ناسیونالیسم کرد به مقام و منزلتی رسید ولی وقتی که تاریخ مصرفشان به سر رسید قاضی محمد از سران عشایر و طوایف مهلباد خود را تسلیم "تیمسارهایونی" کرد و بعد ها اعدام شد.

در جریان شورش ملا مصطفی نیز با همکاری سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و ساواک شاه در یک فراز و نشیب، باز به نان و نوایی رسیدند که وقتی این حمایت قطع شد ملا مصطفی دو دستی موجودی "کردایه تی" را تسلیم صدام کرد و به اصطلاح کردی "آشیتال" کرد. و در مصاحبه با کیهان تهران گفت: "دیگه کار من تمام شد."

مردم کردستان ایران خدمات قیاده موقت- حزب دمکرات کردستان عراق به حکومت اسلامی تازه به قدرت رسیده در سرکوب انقلاب در کردستان را از یاد نبرده اند که چگونه و در رکاب ملا حسنی با مردم قیام کننده در کردستان جنایت آفریده اند. تا جایی که مسعود بارزانی خود را فرزند انقلاب و خمینی میدانست. جلال طالبانی خود در مقاطع گوناگون ظرفیت



جمال کمانگر

انتخاب جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق موجی از لهله و شادی در میان ناسیونالیستهای کرد و دوایر قوم پرست ایجاد کرده است. در حال حاضر و در این مقطع زمانی ناسیونالیسم کرد به اوج "موفقیت" خطی خود رسیده است. اما تناقضات موجود در عراق و توازن قوای شکننده و موقت که نتیجه حضور آمریکا و متحدینش در عراق است به زودی به هم خواهد خورد. این جشن و پیروزی که کوروش مدرسی به درستی گفته است که "جشن ما نیست" نتیجه ۱۲ سال محاصره اقتصادی و خانه خرابی مردم است. ناسیونالیسم کرد این موفقیت را در نتیجه هژمونی جنبشی در عراق علیه اسلام سیاسی و ناسیونالیسم عرب به دست نیاورده است. این تماما در جهت سازش و معامله آمریکا و اسلام سیاسی در عراق بدست



تلویزیون پرتو برنامه ای از حزب حکمتیست

برنامه های پرتو روزهای
چهارشنبه ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰
شب به وقت تهران (۵ تا ۶
بعد از ظهر به وقت اروپای
مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به
وقت امریکای غربی) از شبکه
کانال یک پخش میشود.
این برنامه پنجشنبه ها
ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ صبح
تهران مجددا پخش میشود.

مدیر مسئول: آذر مدرسی

برنامه پرتو روی سایت آن نیز
قابل مشاهده است:
www.hekmatist.com/parto

رادیو پرتو

(تغییر ساعات پخش)

به دنبال تغییر ساعات در ایران،

از روز اول فروردین ماه

هر شب از ساعت ۸ به وقت تهران

SW: 49 m - 5810 KHz

www.radiopartow.com

Tel: 0046 707 399868

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktober.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۳۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبدالمولی
foadsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۴۲۴۴۵

معاون دبیر:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۰۶۶۱۹